

# پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۶

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال دوم

## مقالات

- دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی
- حق بایع برای رفع عیب مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران
- مسؤلیت مدنی در قبال حوادث طبیعی (بررسی تطبیقی مبانی، محدودیت‌ها و رویه قضایی با تأکید بر زلزله)
- فسخ قرارداد کار در حقوق ایران پیش و پس از تصویب قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری
- اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر
- سیستم اطلاعاتی مطمئن در قانون تجارت الکترونیکی
- رویکرد متعارض دولت‌ها به حق تعیین سرنوشت خارجی: بررسی نظریات دولت‌ها در قضیه کوزوو
- ملاحظاتی بر شورای قانون اساسی فرانسه
- «رفتار عادلانه و منصفانه» دولت میزبان با پیمانکاران خارجی
- غرامت در دعاوی ناشی از قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی (غیر از سلب مالکیت)
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و منابع طبیعی مشترک

## موضوع ویژه: حقوق نفت و گاز در نظام ملی و بین‌المللی

- چرا حقوق نفت و گاز؟
- پیوند میان بخش انرژی و مقررات سازمان جهانی تجارت
- ثبات قراردادی با تأکید بر نمونه قراردادهای اکتشاف و استخراج نفت
- شرکت‌های نفتی و معضل اعمال حمایت دیپلماتیک توسط ایران
- مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز در حقوق ایالات متحد آمریکا
- حل اختلافات سرمایه‌گذاری در معاهده منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن

## نقد و معرفی

- تأملی انتقادی بر لایحه «آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»
- نقد و ارزیابی طرح نمایندگان مجلس جهت انتقال و دوره‌ای کردن مقر سازمان ملل متحد
- اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی





## کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و منابع طبیعی مشترک

دکتر جواد کاشانی\*

**چکیده:** وجود منابع طبیعی زیرزمینی مثل آب شیرین، نفت و گاز در مجاورت کشورها با یکدیگر، مسائلی را در باب اعمال حاکمیت از سوی هر یک از دولت‌های همسایه بر این منابع، مطرح می‌کند. هر دولتی تلاش دارد تا به بهترین شیوه ممکن از این منابع تجدیدناپذیر بهره‌برداری کرده و عواید حاصل از آن را برای توسعه و بهبود زندگی شهروندان خود به کار گیرد. در مواقعی که منابع گفته‌شده، در تقاطع مرزهای دو یا چند کشور یافت می‌شود مسأله حاکمیت یا مالکیت بر آن منابع و بهره‌برداری از آنها به لحاظ طبیعت فرآر و مهاجر منابع مذکور، مباحث پیچیده حقوقی را پدید می‌آورد. خصیصه این منابع به گونه‌ای است که چنانچه هر یک از دو دولت ذیربط و ذینفع در منبع، از داخل مرز خود اقدام به حفاری نماید، می‌تواند بخشی از محتوای موجود را در منبع مشترک استخراج کند. برای مدیریت حقوقی این پدیده طبیعی، در حقوق بین‌الملل وحدت نظر وجود ندارد و حقوق بین‌الملل هنوز نتوانسته است به نحو شایسته، قواعد و مقرراتی را برای تنظیم روابط حقوقی بین دولت‌های ذیربط و ذینفع در این منابع ارائه نماید. در هفت سال اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل فعالیت‌هایی را برای تنظیم و تنسيق قواعد ناظر به مسأله آغاز کرده است. این نوشته در پی آن است تا تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل را در تدوین و توسعه مقررات مربوط به منابع طبیعی مشترک بررسی نماید.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق بین‌الملل، منابع طبیعی مشترک، کمیسیون حقوق بین‌الملل، مخازن آب‌های زیرزمینی محصور، نفت و گاز، بهره‌برداری منصفانه و معقول، قاعده حیازت و همکاری.

### مقدمه

بهره‌برداری از آب، نفت و دیگر منابع طبیعی مشترک یا فرامرزی در یک کشور اغلب پیامدهایی را به همراه دارد که موجب محدودیت امکان بهره‌برداری دولت همسایه از آن منابع می‌گردد. یکی از جلوه‌های حاکمیت، صلاحیت انحصاری دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی واقع در قلمرو آنها و به تبع آن بازداشتن دولت‌های دیگر در بهره‌مندی از آن منابع بدون رضایت دولت اخیر است.

منابع آب به لحاظ وابستگی بقای حیات انسان به آن از دیر باز مورد توجه و مبنای شکل‌گیری جوامع بشری بوده و می‌باشد. دولت‌ها تلاش می‌کنند در بهره‌برداری از منابع آب مشترک، سهم بیشتر را نصیب خود کنند. امروزه بهره‌برداری منصفانه و معتدل از منابع آب و خودداری از محروم ساختن دیگران از آن، مستظهر به مبانی پذیرفته شده حقوق بشر می‌باشد.

مواد هیدروکربنی هم به عنوان یکی از مهم‌ترین حامل‌های انرژی از تاریخ کشف آن (۱۵۰ سال پیش) در کمترین زمان ممکن، از یک کالای معمولی اقتصادی به یک کالای مهم و با ارزش اقتصادی تبدیل شد و به دلیل اثرات بی‌بدیل آن در صنعت و تأمین انرژی، جنبه سیاسی یافت و دیر زمانی است که از دید سیاستمداران به عنوان یک کالای راهبردی و امنیتی مطرح شده است.

امروزه یافتن منابع طبیعی جدید پر هزینه و توأم با صرف وقت زیاد صورت خواهد گرفت. این واقعیت باعث شده است برخی مسائل اختلافی در مورد منابع طبیعی مشترک که در مرز بین دو یا چند کشور قرار می‌گیرند و پیشتر کمتر مورد توجه بودند، از اهمیت زیادتری برخوردار شوند و بخشی از حقوق بین‌الملل منابع طبیعی را به خود اختصاص دهند.

در مواقعی که منابع آب، نفت یا گاز در تقاطع مرزهای دو یا چند کشور یافت می‌شود مسأله حاکمیت یا مالکیت بر آن منابع و بهره‌برداری از آنها به لحاظ طبیعت فرآر و مهاجر این منابع، مباحث پیچیده حقوقی را پدید می‌آورد. خصیصه محتوای این منابع به گونه‌ای

است که چنانچه هر یک از دو کشور ذیربط و ذینفع در منبع، از داخل مرز خود اقدام به بهره‌برداری نماید، می‌تواند بخشی از مواد موجود در منبع مشترک را استخراج کند یا شرایطی را فراهم نماید که بهره‌برداری برای دولت همسایه یا شریک در منبع دشوار یا ناممکن گردد. برای مدیریت حقوقی این پدیده طبیعی، در حقوق بین‌الملل وحدت نظر وجود ندارد.

دیدگاه کلاسیک و وفادار به حاکمیت مطلق، معتقد است که اگر اراده دولتی، به موجب معاهده عام یا خاص یا عرف مسلم بین‌المللی در مورد بهره‌برداری از چنین منابعی تحدید نشده باشد، دولت‌ها مجازند از این منابع در قلمرو خود بهره‌برداری کنند، ولو اینکه بخشی از این محصولات از قلمرو کشور همسایه استحصال شود. در واقع طرفداران این دیدگاه، حیازت از منابع طبیعی را در عرصه بین‌المللی مجاز می‌دانند. بی‌تردید بر اساس این دیدگاه، شاهد رواج نوعی رقابت فرسایشی در بهره‌برداری از منابع طبیعی سیال از سوی دولت‌های ذینفع و ذیربط خواهیم بود که می‌تواند با توجه به کمیابی آن منابع به محیط زیست آسیب رسانده، موجب تهدید و حتی نقض صلح و امنیت بین‌المللی شود.<sup>۱</sup>

دیدگاه دیگر در این زمینه معتقد است که این قبیل منابع را می‌توان به مثابه مال مشاع بین دولت‌های ذیربط دانست که بهره‌برداری از آن، لزوماً باید بر اساس همکاری دولت‌های موصوف صورت پذیرد. با توجه به موافقت‌نامه‌های دوجانبه بهره‌برداری از منابع مشترک بین دولت‌های ذینفع، تصویب برخی اسناد بین‌المللی و تعدادی از آرای مراجع حل و فصل اختلافات بین‌المللی، این اعتقاد وجود دارد که طی سال‌های اخیر دیدگاه دوم مورد استقبال

۱. برخی از نویسندگان سیاسی بیان کرده‌اند «همانطور که نقشه‌های گسل‌های زمین‌شناسی جهان، راهنمای مفیدی برای تشخیص مناطق احتمالی زلزله می‌باشد، توجه به نظام بین‌المللی از منظر منابع مورد اختلاف - مخازن نفت و گاز مورد مناقشه، منابع آب مشترک و معادن الماس مورد مناقشه - نیز راهنمایی برای تشخیص حوزه‌های احتمالی منازعات در قرن بیست و یکم را در اختیار ما می‌گذارد». مایکل کلار، جنگ منابع «چشم‌انداز جغرافیای جدید منازعات جهانی»، مجله سیاست خارجی، سال ۱۳۸۱، ص ۱۲۹.

همچنین در گزارش گروه عالی کارشناسان سازمان ملل متحد تصدیق شده که لازم است هنجارهای حاکم بر مدیریت منابع مشترک به‌خصوص در مورد کشورهایی که خطر درگیری بین آنها وجود دارد یا در حال بروز است، توسعه یابد.

A more secure world: our shared responsibility, Report of the High-level Panel on Threats, Challenges and Change, 2 December 2004, para. 92, UN. Doc. A/59/565.

ترجمه گزارش فوق توسط آقای امیر ساعد وکیل در صفحات ۲۹۰-۲۶۱ مجله پژوهش‌های حقوقی شماره ۶ سال ۱۳۸۳ در دسترس می‌باشد.

دولت‌ها و دکترین قرار گرفته است. به نحوی که می‌توان گفت حیزات در عرصه بین‌المللی پذیرفته نیست و دولت‌ها باید در بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع طبیعی واقع در مرزهای مشترک، حقوق دولت‌های همسایه و ذینفع را رعایت نمایند. واقعیات گفته شده نشان دهنده تقاضای فزاینده برای قواعدی شفاف در سطح بین‌المللی است که بتواند بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک را تنظیم کند. در این مسیر، منطقی‌ترین کار، دعوت جامعه جهانی به توسعه هنجارهایی است که بر حداقل ضوابط به منظور همکاری بین‌المللی و حداکثر محدودیت بر اعمال حاکمیت دولت‌ها در بهره‌گیری از منابع طبیعی مشترک تنظیم شده باشد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل با همین هدف از سال ۲۰۰۲ کار خود را در مورد منابع طبیعی مشترک آغاز کرد. کاری دشوار در تنظیم قواعدی جهانی که به خصوص در حوزه نفت و گاز به غایت فنی و دارای حساسیت سیاسی بسیار بالایی است و از موقعیت‌های منطقه‌ای متنوعی تأثیر می‌پذیرد. این نوشته در پی بررسی و ارزیابی تلاش‌هایی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص تنظیم قواعد حاکم بر منابع طبیعی مشترک انجام داده و در حال پیگیری است، البته، تمرکز ما در این پژوهش بیشتر حول محور منابع نفت و گاز مشترک است.

## گفتار اول: تعاریف و پیشینه موضوع

### الف) تعاریف

#### ۱. منابع طبیعی

ارائه تعریفی جامع از منابع طبیعی و احصای مصادیق آن در عین سادگی، کار دشواری است. یک تعریف حداقلی از آن، این است که منابع طبیعی موادی هستند که به طور طبیعی وجود دارند و برای بشر مفیدند یا می‌توانند تحت شرایط تکنولوژیک، اقتصادی یا سیاسی معینی، مفید باشند.

برخی منابع طبیعی به گونه‌ای هستند که بقای زندگی انسان به آنها وابسته است و برخی برای بهبود و ارتقای سطح زندگی مد نظر می‌باشند. در تنظیم حقوق بین‌الملل تا قبل از سال ۱۹۴۵ مطالعه متمرکزی بر روی این زمینه صورت نگرفته بود مگر تنظیم مقرراتی در مورد ماهیگیری یا رودخانه‌ها. اما در دهه‌های اخیر با ظهور اصل حاکمیت دائمی

ملت‌ها بر منابع طبیعی خود، زمینه برای فعالیت‌های بیشتر در حقوق منابع طبیعی مطرح شده است.<sup>۲</sup>

در سال‌های اخیر حوزه‌های علمی مختلفی به مسائل مربوط به منابع طبیعی پرداخته‌اند. این امر، ارائه تعریف برای آن را مطلوب و در عین حال مشکل نموده است. هر حوزه علمی از یک جهت به مسأله نگریده و تعریف و اهداف خود را دنبال می‌کند. مثلاً طبیعت‌شناسان بر خلق اصطلاح منابع جاندار و غیرجاندار و اقتصاددانان روی کمیابی یا وفور و قابلیت بهره‌برداری و توزیع آنها در سطوح خاص و علمای محیط زیست به ارزش ذاتی منابع طبیعی و لزوم استفاده پایدار از آنها تأکید دارند در حالی که حقوق‌دانان مالکیت و حق تصرف را بر آن منابع مطالعه می‌کنند.<sup>۳</sup>

در این تحقیق، آب‌های زیر زمینی محصور و منابع هیدروکربنی از جمله نفت و گاز، به عنوان منابع طبیعی غیرجاندار، نوعاً تجدیدنابذیر و سیال یا متحرک در مقابل جامد یا ایستا مطرح می‌باشند و طبیعتاً در مورد حاکمیت و مالکیت بر این منابع و نحوه تصرف در آنها به‌خصوص در مواردی که در مرزهای مشترک دو یا چند کشور یافت شوند، بررسی خواهند شد.

## ۲. منابع طبیعی مشترک

مقصود از منبع، هر ظرف طبیعی است که در آن آب، نفت یا گاز یافت شود. استفاده از منبع به جای اصطلاحات دیگر به علت قابلیت به کارگیری گسترده آن به جای مفاهیم مشابه می‌باشد. در مورد به کارگیری وصف مشترک برای منابع طبیعی مناقشه بسیار است، چه اینکه هریک از اوصاف مشترک<sup>۴</sup>، عام<sup>۵</sup>، فرامرزی<sup>۶</sup> و بین‌المللی<sup>۷</sup> بعد از کلمه منابع،

۲. برای نمونه می‌توان به قطعنامه ۱۸۰۳ مورخ ۱۹۶۲ مجمع عمومی در مورد «حاکمیت دائمی ملت‌ها بر منابع طبیعی» و قطعنامه ۳۲۸۱ مورخ ۱۹۷۴ تحت عنوان «اصول راجع به حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها» و بسیاری اسناد بین‌المللی دیگر که در زیرنویس شماره ۱۰ به برخی از آنها اشاره شده است، مراجعه نمود.

3. Nicollas Schrijver, *Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties in an Increasingly Interdependent World*, Cambridge University Press, 1997, p. 12.

در مورد تفاوت مفاهیم منابع طبیعی، ثروت طبیعی، ثروت ملی و ثروت به طور کلی که در قطعنامه‌های مختلف مجمع عمومی ملل متحد در مورد حق حاکمیت دائمی ملت‌ها بر منابع طبیعی خود و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها به کار رفته است و محدوده موضوع حق گفته شده به صفحات ۱۰ تا ۱۹ کتاب فوق تحت عنوان The objects to which permanent sovereignty applies مراجعه نمایید.

4. Shared

5. Common

القاکنده معنایی ویژه است که طرفداران رژیم‌های خاص حاکم بر منابع طبیعی از آنها استفاده می‌کنند. قدر مسلم این است که *common resources* و *shared resources* مبین حق مالکیت اشتراکی دو یا چند دولت یا شخص بر منبع طبیعی می‌باشد و حاصل آن ممنوعیت تصرف غیرمالکان در آن است.

اصطلاح *transboundary natural resources* بیشتر وصف جغرافیایی وضعیت را القا می‌کند و در نتیجه نسبت به اصطلاح پیشین، با قوت بیشتری و به یک اندازه، تعلق منابع به یک کشور یا همه را از ذهن دور می‌کند.<sup>۸</sup> بالاخره عبارت *international natural resources* بر بین‌المللی بودن منبع و اولویت تبعیت آن از قواعد بین‌المللی نسبت به قواعد ملی تأکید دارد.<sup>۹</sup> در میان اصطلاحات ارائه شده آنچه رایج‌تر است، ترکیب *shared natural resources* است.<sup>۱۰</sup> البته برخی از کسانی که آن را به کار برده‌اند، یادآوری اکید نموده‌اند که از آن نباید

#### 6. Transboundary

#### 7. International

۸. در ماده ۴ موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره آمریکا - مکزیک مصوب سال ۲۰۰۰ مخزن نفت یا گازی که در طول خط مرزی فلات قاره دو کشور گسترده شده باشد و از دو طرف قابل برداشت باشد منبع فرامرزی تلقی شده است. در موافقت‌نامه فرانسه و کانادا مصوب سال ۲۰۰۵ نیز به طور مکرر از منبع فرامرزی نفت و گاز سخن رفته است و در مواردی که دو دولت در مورد چنین وصفی برای یک مخزن اختلاف داشته باشند، موضوع توسط کارگروه متشکل از نمایندگان دو دولت و در مرحله بعد توسط کارشناس مستقل مورد رسیدگی و اعلام نظر قرار می‌گیرد.

۹. برخی، این منابع را، منابع طبقه میانه نام نهاده‌اند. وجه تسمیه این نام‌گذاری آن است که این منابع نه آشکارا جزو اموال عمومی و مهیا برای همه دولت‌ها هستند و نه اینکه به طور انحصاری در کنترل یک دولت قرار دارند.  
۱۰. این اصطلاح در اسناد معتبر بین‌المللی بسیار بیشتر از اصطلاحات دیگر به کار رفته است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- Economic Declaration adopted by the Fourth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries, Algiers, 5-6 September 1973, in *UN Doc. A/6300 and Corr. 1*, p. 57.

At the 1972 Stockholm Conference it proved to be impossible to include a substantive paragraph on *shared resources* in the UN Declaration on the Human Environment  
General Assembly Resolution 3129 (XXVIII) of 13 December 1973 mandated the Governing Council of UNEP to formulate international standards for the conservation and harmonious exploitation of *shared resources*, including a system of prior information and consultation.

The General Assembly included a relevant provision in the 1974 Charter of Economic Rights and Duties of States. Article 3 reads: In the exploitation of natural *resources shared* by two or more countries, each State must co-operate on the basis of a system of information and prior consultation in order to achieve optimum use of such resources without causing damage to the legitimate interests of others Based on GA Resolution 3129, UNEP began to deal intensively with the issue and established in 1975 an intergovernmental working group of experts to draft principles of conduct with respect to *shared resources*. In 1978, its work resulted in the adoption by UNEP's Governing Council of a set of 'Draft Principles of Conduct in the Field of the Environment for the Guidance of States in the Conservation and Harmonious Utilization of Natural Resources Shared by Two or More States.

در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکو - ناگی ماروس، رودخانه دانوب به عنوان منبع مشترک معرفی شده است.

معنای تحت‌اللفظی را اراده کرد بلکه مراد از این اصطلاح یا دیگر واژگان پیش گفته، صرفاً بیان یک واقعیت جغرافیایی یا زمین‌شناسی است و اخذ مفهوم تعلق یا مالکیت صحیح نیست.<sup>۱۱</sup>

### ۳. منابع سیال و غیرسیال

خصیصه سیال یا متحرک بودن آب‌های زیر زمینی، نفت یا گاز نسبت به دیگر منابع طبیعی غیرمتحرک، رژیم حقوقی حاکم بر آنها را متفاوت و دشوار می‌کند. ضمن اینکه طبیعت مخازن نفت و گاز با آب و دیگر منابع به ظاهر مشابه، متفاوت است. نفت و گاز اگر چه از منابع طبیعی مهاجرند<sup>۱۲</sup> ولی در مواقعی که در به اصطلاح تله نفتی<sup>۱۳</sup> گیر می‌افتند دیگر امکان جابه‌جایی بسیار کمتری دارند تا اینکه منفذی از یک سوی مخزن پیدا شود و از آن ناحیه فرار کنند. معدود نویسندگان حقوقی، سیال بودن و مهاجرت کردن نفت را خصیصه معناداری در بررسی رژیم حقوقی حاکم بر آن و سایر معادن کانی نمی‌دانند.<sup>۱۴</sup>

### ب) پیشینه موضوع در کمیسیون حقوق بین‌الملل

یکی از منابع مشترک که تدوین قواعد حاکم بر بهره‌برداری از آن توسط دولت‌های ذینفع مورد اهتمام کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفت، آبراه‌های بین‌المللی برای استفاده‌های غیرکشتریانی بود که با مرز دو یا بیش از دو دولت مرتبطند یا از میان بیش از یک کشور

Case concerning the Gabchiko- Nagymaros (Hungary v. Slovakia). *ICJ Reports 1997*, p. 7, para. 85.

۱۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل هم در هنگام بررسی گزارش آقای یامادا (مخبر ویژه موضوع منابع طبیعی مشترک) حذف وصف shared از ترکیب natural shared resource را نپذیرفت و آن را اصطلاح شناخته شده بین‌المللی دانست. برای آگاهی بیشتر از این جدال لفظی به منابع زیر مراجعه کنید.

- Jean-Pierre Bouvet "L'unité de gisement hydrocarbures et autres matieres minerales" L'Harmattan (2004) Paris, p. 2 - Nicollas Schrijver, *op. cit.*, pp. 121-122-206-208.

- Eckstein E. Gabriel "Commentary on the U.N. International Law Commission's Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers", *Colo. J. Int'l Envtl. L. & Pol'y* [vol. 18:3].

- Jula Rainne "The work of the international law commission on shared natural resources: The pursuit of competence and relevance" 75, *Nordic Journal on International Law* (2006) Netherland, pp. 521-538.

- Alberto Szekely "US. Mexico trans-boundary resources Issue. The international law of submarine trans-boundary hydrocarbon resources: Behavior legal limits to and experience for Gulf of Mexico", *Natural Resources Journal*, (1986) fall.

- Third report on shared natural resources "trans-boundary groundwater". Doc. A/CN.4/551(2005) [www.un.org/law/ilc/sessions/57/docs.htm](http://www.un.org/law/ilc/sessions/57/docs.htm)

۱۲. برای آگاهی از چگونگی مهاجرت نفت به صفحات ۱۰۹ تا ۱۲۳ کتاب زمین‌شناسی نفت اثر محمدرضا رضایی، چاپ دوم، انتشارات علوی، ۱۳۸۴ تهران مراجعه فرمایید.

#### 13. Oil trap

برای آگاهی از انواع نفتگیرها یا تله‌های نفتی و کارکرد آنها به صفحات ۲۳۰ تا ۲۸۳ منبع پیشین مراجعه شود.

14. Jean-Pierre Bouvet, *op. cit.*, p. 9.



عبور می‌کنند. این قبیل آبراه‌ها در طول سال‌های گذشته موضوع توافقات دو یا چندجانبه مختلف بین کشورهای ذینفع بوده و در عین حال منشأ درگیری‌ها و منازعات هم بوده و می‌باشند.<sup>۱۵</sup>

در هر حال کمیسیون از سال ۱۹۷۰ کار خود را در موضوع گفته شده، آغاز کرد و در سال ۱۹۹۴ آن را خاتمه داد و از ۱۹۹۷ به عنوان یک کنوانسیون بین‌المللی برای الحاق دولت‌ها مفتوح است.<sup>۱۶</sup> بررسی این فعالیت کمیسیون از آن جهت اهمیت دارد که اولاً ما را از اولین فعالیت کمیسیون در تدوین قواعد راجع به یکی از منابع طبیعی مشترک آگاه می‌سازد. ثانیاً، واکنش دولت‌ها را نسبت به قواعدی که به نوعی موجب تحدید حاکمیت آنها می‌شود، نشان می‌دهد. ثالثاً، میزان توفیق کمیسیون را در راهی که رفته نمایان می‌کند و بالاخره ما را با دستاوردهای این فعالیت که با تغییراتی اندک در مورد منابع آب زیر زمینی محصور، نفت و گاز مشترک هم به کار گرفته خواهد شد، آشنا خواهد ساخت.

در ابتدای بررسی موضوع در کمیسیون، مقرر بود آب‌های زیرزمینی مشترک اعم از اینکه به سطح بیابند یا در زیر زمین محصور باشند، به عنوان کلیتی واحد در دستور کار قرار گیرند ولی در اثنای کار، کمیسیون تشخیص داد، بهتر است آب‌های داخل در سفره‌های زیرزمینی را به دلیل پیچیدگی‌هایی که دارد و کمیسیون را در دستیابی به توافق در مورد آبراه‌های بین‌المللی با مانع مواجه می‌کند از دستور کار خارج کند و موضوع بحث مستقلی به نام منابع طبیعی مشترک قرار دهد.<sup>۱۷</sup>

۱۵. «شوبل» آبراه‌های بین‌المللی را مصداق و معیار منابع طبیعی مشترک می‌داند. چرا که این منابع یا از یک کشور منشأ می‌گیرند و مرزهای بین‌المللی را قطع می‌کند یا آنکه خود مرزهای بین‌المللی را شکل می‌دهد و در هر دو حالت، پیامد هر اقدامی که از یک طرف مرز نسبت به آن منابع صورت بگیرد غالباً در طرف دیگر مرز تأثیر می‌گذارد.

S.M. Schwebel, "Second report on the law of the non-navigational watercourses", *Yearbook of the International Law Commission* vol. II (1980), p. 180.

۱۶. کنوانسیون در مجمع عمومی با ۱۰۳ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف (چین، ترکیه و برون‌دی) و ۲۷ رأی ممتنع تصویب شد و تنها ۱۶ دولت آن را امضا و تاکنون (۱۳۸۸/۷/۲۲) ۱۸ کشور اسناد تصویب را به مقام نگهدارنده تسلیم کرده‌اند و لذا با توجه به ماده ۳۶ کنوانسیون که زمان لازم‌الاجرائی آن را ۹۰ روز پس از تودیع سی پنجمین سند تصویب می‌داند، هنوز راه درازی تا آن زمان باقی است <http://untreaty.un.org>.

۱۷. در هنگام بررسی موضوع آبراه‌های بین‌المللی، کمیسیون در نظر داشت قواعدی را برای استفاده‌های غیرکشتریانی از همه آبراه‌های بین‌المللی که از یک کشور شروع و از کشور یا کشورهای دیگر عبور می‌کند و به سوی مقصد معینی طی مسیر می‌کند را به همراه آب‌های زیر زمینی اعم از اینکه جریان داشته باشند و به آبراه‌های سطح زمین پیوندند یا در زیر زمین محصور باشند، یکجا و در یک سند بیاورد، ولی به دلیل مشکلاتی که در

شرح و بسط حاصل کار کمیسیون در مورد کنوانسیون استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی بر این مدار است که هسته مرکزی قواعد کنوانسیون مرکب از یک سلسله هنجارهای وسیع ماهوی مانند بهره‌برداری معقول و منصفانه و تعهد به آسیب عمده نرساندن به منبع و برقراری هنجارهای شکلی همچون تعهد کلی به همکاری، تبادل اطلاعات و ابلاغ قبل از اجرای طرح می‌باشد. اصول استفاده منصفانه و آسیب نزدن که مبانی ماهوی کنوانسیون را تشکیل می‌دهد، می‌تواند خیلی کلی و نامتعین توصیف شود. در واقع، می‌توان گفت که اصل استفاده منصفانه بر درکی متعادل و متناسب از شرایط و اوضاع و احوال در هر مورد اتکا دارد.

در خلال بحث‌های کمیسیون در مورد کنوانسیون ۱۹۹۷ حداقل سه گروه مختلف المنفعت را می‌توان از هم متمایز دید.

۱- کشورهای ساحلی بالا دست که طرفدار قوت و گسترش اصل بهره‌برداری منصفانه بودند؛

۲- دولت‌های دارای وضعیت‌های ساحلی متفاوت که مواد پیش‌نویس را به همان نحو حمایت کردند؛ و

۳- کشورهای پایین دستی که قاعده عدم آسیب عمده را حمایت کردند. البته گروه‌های تقسیم شده عیناً وقتی که بهره‌برداری از آب‌های زیر زمینی مطرح است، وجود ندارند. اما اصل عدم آسیب به عنوان عنصر مشترک دو طرح، حتی اگر فقط آسیب عمده مد نظر باشد، ممکن است به عنوان مثال منافع استفاده‌کنندگان فعال‌تر از آب‌های زیرزمینی را آنطور که شایسته و مناسب است، در نظر نگیرد.

در ماده ۶ کنوانسیون، فهرستی مطوّل و تمثیلی از عواملی که در رسیدن به تعادل باید لحاظ شود، پیش‌بینی شده است.<sup>۱۸</sup> در واقع، اصل استفاده منصفانه همین قدر دلالت می‌کند

---

بررسی موضوع اخیر وجود داشت و تعیین تکلیف آن سرعت کار کمیسیون را در مورد آبراه‌های بین‌المللی کند می‌کرد، تصمیم گرفت بررسی آن را از آبراه‌های بین‌المللی جدا کند و در اعلامیه‌ای که در سال ۱۹۹۴ و همزمان با نهایی شدن متن کنوانسیون آبراه‌های بین‌المللی برای استفاده‌های غیرکشتریانی صادر نمود، وعده داد که مسأله آب‌های زیر زمینی تحت عنوانی مستقل در آینده در دستور کار کمیسیون قرار خواهد گرفت. این وعده کمیسیون در سال ۲۰۰۲ با تصویب بررسی طرح منابع طبیعی مشترک عملی شد. در بررسی موضوع اخیر هم ملاحظه شد که تمایل کمیسیون به بررسی جداگانه دو موضوع آب‌های زیرزمینی مشترک و منابع مشترک نفت و گاز به صورت جداگانه می‌باشد.

که هر جا بین حاکمیت سرزمینی مطلق و تمامیت سرزمینی مطلق، متناسب بودن ولو به طور موقتی تشخیص داده شود، نتیجه، یک راه‌حل منصفانه خواهد بود. این مطلب در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مربوط به طرح گابچیکو/ ناگی ماروس هم مورد تأکید قرار گرفت.<sup>۱۹</sup>

در انتقاد از اصل بهره‌برداری منصفانه گفته شده است که در اختلاف بین دو دولت راجع به یک منبع مشترک، دو طرف می‌توانند ادعاهای متقابل خود را با استناد به اصل انتفاع منصفانه توجیه کنند. این امر با تمسک به عوامل و اوضاع و احوال بی‌پایان که باید در کاربست اصل بهره‌برداری منصفانه لحاظ شود، کار دشواری نیست. لذا بهتر است بگوییم در نبود قواعد یا معیارهای الزامی، حل و فصل اختلاف باید به موجب قاعده‌گذاری «موردی» یا «اقتضایی» انجام بگیرد. البته مروری بر محتوای راه‌حل شکننده «بهره‌برداری منصفانه» نشان می‌دهد که این امر به اختلافات مربوط به استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی محدود نمی‌شود، بلکه خصیصه عمومی و عمده همه منابع طبیعی مشترک است.

لذا در اینجا هم باید درست، همانند راه‌حل منصفانه‌ای که در اختلافات مربوط به تحدید حدود دریایی، در مواقعی که طیفی از وضعیت‌های جغرافیایی متفاوت، ظاهراً برقراری هرگونه قواعد عام قابل اعمال یا معیارهای دقیق را برای تحدید حدود ناممکن می‌سازد، عمل شود. در هر حال فعلاً به نظر می‌رسد که ارائه فهرستی مفصل از شرایط و اوضاع و احوال در یک کنوانسیون برای کمک به تعیین آنچه می‌تواند در یک قضیه خاص منصفانه محسوب شود، مفید باشد. البته چنین اصلی (بهره‌برداری منصفانه) بیش از آنکه

1. Utilization of an international watercourse in an equitable and reasonable manner within the meaning of article 5 requires taking into account all relevant factors and circumstances, including:

- (a) Geographic, hydrographic, hydrological, climatic, ecological and other factors of a natural character;
- (b) The social and economic needs of the watercourse States concerned;
- (c) The population dependent on the watercourse in each watercourse State;
- (d) The effects of the use or uses of the watercourses in one watercourse State on other watercourse States;
- (e) Existing and potential uses of the watercourse;
- (f) Conservation, protection, development and economy of use of the water resources of the watercourse and the costs of measures taken to that effect;
- (g) The availability of alternatives, of comparable value, to a particular planned or existing use.

2. In the application of article 5 or paragraph 1 of this article, watercourse States concerned shall, when the need arises, enter into consultations in a spirit of cooperation.

3. The weight to be given to each factor is to be determined by its importance in comparison with that of other relevant factors. In determining what is a reasonable and equitable use, all relevant factors are to be considered together and a conclusion reached on the basis of the whole.

19. Case concerning the Gabciovo-Nagyymaros Project (Hungary v. Slovakia), *I.C.J. Rep.*, p.7, para. 85.

یک راه‌حل ارائه کند یک معیار یا مبنای احتمالی برای راه‌حل یا استدلال است<sup>۲۰</sup> و در درازمدت امید به تحصیل محتوایی واقعاً محسوس و ملموس، اساساً بر عهده آیین‌های شکلی مربوط خواهد بود.

ماده ۸ کنوانسیون، دولت‌های شریک در یک منبع را به ایجاد سازوکارها یا کمیسیون مشترک فرا می‌خواند<sup>۲۱</sup>. با فرض اینکه چنین کمیسیون‌های مشترکی به درستی تشکیل شوند، آنچه مهم است کارآمدی آنها است، امری که کاملاً وابسته به میزان انعطاف آنها در انطباق تفاوت‌ها و شرایط متغیر و اجازه دادن به تکامل تدریجی رژیم<sup>۲۲</sup> مورد نظر کنوانسیون است. بی‌تردید، توفیق استقرار ترتیبات مشترک منحصراً به اراده دولت‌های مورد نظر بستگی دارد.

به هر حال کار کمیسیون به عنوان اولین تجربه در تدوین قواعد گسترده برای بخشی از منابع طبیعی مشترک با توفیق همراه نبود، علت عدم اقبال دولت‌ها به تصویب و حتی امضای آن احتمالاً ناشی از این واقعیت است که هنجارهای ماهوی کنوانسیون (بهره‌برداری منصفانه و معقول و تعهد به آسیب عمده نزدن) با یک سلسله تعهدات شکلی دنبال شده است، تعهداتی که بسیار وسیعند و ظاهراً فقط به تعادلی موقتی میان منافع رقیب در یک وضعیت منتهی می‌شوند که دیر یا زود دولت‌های همسایه باید با آن مواجه شوند<sup>۲۳</sup>.

می‌توان گفت دولت‌ها تمایلی ندارند به هنجارهایی تن دهند که آنقدر مبهمند که پیش‌بینی چگونگی اجرای آنها در موارد خاص، ناممکن است<sup>۲۴</sup>. در هر حال تصویب خیلی

20. Rainne Juha "The work of the international law commission on shared natural resources: The pursuit of competence and relevance" 75 *Nordic Journal on International Law* (2006), p. 327.

۲۱. کمیسیون‌های دائمی برای حل و فصل اختلافات مرزی و مسائل مرتبط با آن، به‌ویژه، منابع طبیعی فرامرزی یا مشترک سابقه‌ای طولانی دارد. یکی از قدیمی‌ترین آنها کمیسیون مشترک امریکا و مکزیک است.

۲۲. رژیم توسط «کرانسر» اینگونه تعریف شده است «مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و آیین‌های تصمیم‌سازی مبهم و صریح در حوزه‌ای مفروض از روابط بین‌المللی که پیرامون آن انتظارات عاملان به هم نزدیک می‌شود».

S.D. Krasner, *International regime*, (Cornell University Press, Ithaca, NY, 1983) p. 2. Cited supra note p. 327, at footnote, no. 24.

23. J.R. Crook and S.C. McCaffrey "The United Nations Starts Work on a Watercourse Convention", 91 *AJIL*, 1997, p. 35.

۲۴. پروفیسور Eyl Benvenisti معتقد است استانداردهای مبهم مثل استفاده معقول و منصفانه به قدرکافی راه‌گریز برای مذاکره می‌گذارد که در خلال آن هر طرف بتواند تفسیر خود را از ضابطه گسترش دهد. حال آنکه قواعد روشن‌تر - برندگان مشخص یا بازندگان مشخص - بسیاری از دولت‌های ساحلی را از ورود در مذاکره باز می‌دارد. به نظر وی مفهوم استفاده منصفانه (که مغایر با قاعده آسیب نزدن است) به عنوان «یک معیار مبهم همکاری دوستانه» محسوب می‌شود.

ضعیف کنوانسیون نشان داد که اصول مبهم کنوانسیون به همراه یک سلسله تعهدات شکلی، مبنای جذابی برای دولت‌ها ارائه نکرده تا یک رژیم همه‌جانبه بهره‌برداری از یک منبع مشترک را بر آن بنیان گذارند. کنوانسیون بدون خلق چنین تحولی تنها دارای محدودیت‌های عمده خواهد بود و اگر این امر در زمینه آبراه‌های بین‌المللی مشترک صادق باشد، خطر مشابهی برای بی‌تأثیری در حوزه‌های دیگر منابع طبیعی مشترک که کمتر از حیث علمی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، تلقی خواهد شد.<sup>۲۵</sup>

### گفتار دوم: طرح راجع به

#### منابع طبیعی مشترک (آب‌های زیر زمینی، نفت و گاز)

کمیسیون حقوق بین‌الملل بررسی موضوع منابع طبیعی مشترک را پس از درج موضوع در برنامه کاری بلندمدت کمیسیون و تصویب آن<sup>۲۶</sup> در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ در مجمع عمومی ملل متحد از سال ۲۰۰۲ آغاز کرد.<sup>۲۷</sup>

کمیسیون در بررسی موضوع گفته شده با چند چالش مواجه بود. اول اینکه آیا همه منابع طبیعی مشترک (آب‌های زیر زمینی، نفت و گاز) را در یک سند مورد بررسی قرار دهد یا اینکه با توجه به خصوصیات هر یک از منابع طبیعی، سند مجزا تهیه کند.<sup>۲۸</sup> اولین مورد، بررسی توأم یا مجزای آب‌های زیر زمینی محصور<sup>۲۹</sup> و نفت و گاز بود. در این خصوص حداقل دو نظر عمده از سوی هیأت‌های نمایندگی مطرح بود. گروه اول معتقد به بررسی جداگانه موضوعات و دومی طرفدار بررسی توأم دو

Eyl Benvenisti (2002), *Sharing trans-boundary resources: international law and optimal resource use*, Cambridge University Press, Cambridge, pp. 161-2.

25. Rainne Juha, *op. cit.*, p. 326.

26. Official Records of the General Assembly, Fifty-seventh Session, Supplement no. 10 (A/57/10 and Corr. 1), paras. 518-519. The General Assembly, in paragraph 2 of resolution 57/21 of 19 November 2002, took note of the Commission's decision to include the topic "Shared natural resources" in its programmed of work. See also Assembly resolution 55/152 of 12 December 2000.

27. Official Records of the General Assembly, Fifty-seventh Session, Supplement no. 10 (A/57/10); chap. X.A.1, para. 518.

28. اشکال تنظیم اسناد مجزا در مورد موضوعات مرتبط، این است که گاه در حوزه تعریف مفاهیم یا دامنه مباحث با مشکل همپوشانی عبارات مواجه می‌شویم که مستلزم استفاده از موازین تفسیر است و این اتفاق دقیقاً در مورد کنوانسیون حقوق آبراه‌های بین‌المللی برای استفاده‌های غیرکشتریانی و طرح آب‌های زیرزمینی، در تعریف آب‌های زیر زمینی دیده می‌شود. چه اینکه تعریف آب‌های زیر زمینی در کنوانسیون با تعریف مقرر در طرح همپوشانی دارد. این مسأله می‌تواند در مورد برخی مسائل مربوط به نفت و گاز هم تکرار شود.

29. Aquifer

موضوع بود.<sup>۳۰</sup> در حالی که اولین گزارشگر ویژه (آقای روزن استوک) با تردید از تفکیک دو موضوع جانبداری می‌کرد<sup>۳۱</sup> گزارشگر دوم (آقای یامادا) با قاطعیت از تفکیک دو موضوع سخن گفت و در برنامه کاری خود سال ۲۰۰۴ را به نهایی کردن مسأله آب‌های زیر زمینی محصور و سال ۲۰۰۵ را به بررسی منابع مشترک نفت و گاز و سال ۲۰۰۶ را به دیدگاه جامع در خصوص دو موضوع اختصاص داد.

وی استدلال می‌کرد که بین دو موضوع ضمن وجود مشترکات کلی از جهات مختلف کاربرد و آثار فرامرزی آن، سطح توسعه‌هنگارهای حقوقی و مکان وقوع آنها تفاوت عمده وجود دارد. در سال ۲۰۰۳ بحث‌های کمیسیون روی تحدید حدود موضوع و تنظیم عنوان طرح متمرکز شد. نظرات مختلفی مطرح شد از جمله پیشنهاد می‌شد با توجه به تنوع منابع طبیعی مشترک یا فرامرزی مانند پرندگان، وحوش و آبزیان فعلاً طرح تحت عنوان منابع طبیعی مشترک (آب‌های زیر زمینی، نفت و گاز) یا منابع طبیعی مشترک (آب‌های زیر زمینی محصور) باشد. ولی، بالاخره کمیته ششم، طرح را تحت عنوان منابع طبیعی مشترک تصویب کرد و آقای یامادا بر اساس گزارشی که به اجلاس اوت ۲۰۰۷ کمیسیون تقدیم کرد، اعلام نمود پیش‌نویس طرح درباره آب‌های زیر زمینی محصور برای اظهار نظر دولت‌ها ارسال شده و تا وصول پاسخ و بررسی آن و اعمال اصلاحات احتمالی در آن و گزارش نهایی (سال ۲۰۰۸) کارهای کمیسیون در مورد موضوع متوقف خواهد ماند.<sup>۳۲</sup>

وی علی‌رغم نظر برخی از اعضا که معتقد بودند نفت و گاز جزء موضوعات ارجاعی مجمع به کمیسیون بوده و خوب است تا تعیین تکلیف قسمت اول طرح، بخش دوم آن،

۳۰. امریکا، آلمان، رژیم اشغالگر قدس و لهستان طرفدار تنظیم اسناد جداگانه بودند و هلند و مکزیک از سند واحد برای همه منابع طبیعی جانبداری می‌کردند.

Shared natural resources Comments and observations received from Governments and relevant intergovernmental organizations Fifty-seventh session A/CN.4/555.

۳۱. علت طرفداری از تنظیم مقررات دو موضوع در یک سند این بود که از ابتدای طرح مسأله آب‌های زیرزمینی محصور مشترک، طراحان موضوع، اعلام می‌کردند هر چیزی که در مورد آب‌های زیرزمینی تصویب شود در مورد منابع نفت و گاز مشترک نیز تا حد بسیار زیادی قابل استفاده و تبعیت خواهد بود. اما پس از بررسی نظرات کتبی دولت‌ها در پاسخ به پرسشنامه کمیسیون و بعد از اظهار نظر نسبت به متن مصوب در شور اول و نظرات شفاهی در اجلاس‌های ۲۰۰۶ کارگروه و کمیسیون، معلوم شد اکثریت بزرگ‌تری از کشورها طرفدار تفکیک دو موضوع هستند و لذا مخبر ویژه در اجلاس ۲۰۰۷ کمیسیون با الهام از نظرات واصله اعلام کرد اکثر مقرراتی که برای نفت و گاز طبیعی باید به کار گرفته شود، مستقیماً در مورد آب‌های زیرزمینی قابل اعمال نیست. ایران هم در این خصوص نظر به تفکیک دو موضوع داشت. Islamic Republic of Iran, A/C.6/62/SR.25, para. 44.

32. Official Reports of General Assembly. 62<sup>nd</sup> session, supplement no. 10 paras 161-166.

مربوط به منابع نفت و گاز مشترک، دنبال شود با تکرار استدلال‌های بالا - و تأکید بر اینکه تفاوت‌های آب با نفت و گاز خیلی عمده‌تر از تشابهات آنهاست از جمله اینکه سفره‌های آب زیرزمینی برای نیاز بیش از نیمی از انسان‌ها، آب شیرین تأمین می‌کنند و لذا یک منبع حامی حیات نوع بشر می‌باشد و اینکه اختلافات راجع به مدیریت منابع آب زیرزمینی، آثار و زیان‌های زیست محیطی و ملاحظات تجاری مربوط به آن، کاملاً از آنچه به نفت و گاز طبیعی مربوط می‌شود، متفاوت است. اگرچه نفت و گاز از نظر راهبردی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی مهم هستند، مع‌الوصف، به منزله نیاز ضروری بشری تلقی نمی‌شوند و بالاخره اینکه منابع نفت و گاز در اعماق زمین یافت می‌شوند و با توجه به فرایند طبیعی ایجادشان که هزاران سال طول می‌کشد تا به وجود بیایند با منابع آب که در عمق کمتری قرار دارند و فرایند ایجادشان بسیار سریع‌تر می‌باشد، متفاوتند و می‌توان گفت به نوعی از منابع تجدیدنپذیر به حساب می‌آیند - بررسی بخش دوم (منابع نفت و گاز مشترک) را به بعد از نهایی شدن بخش اول طرح موکول کرد.<sup>۳۳</sup>

در هر حال عنوان منابع طبیعی مشترک علاوه بر پیچیدگی‌های فنی، متضمن خصائص سیاسی سطح بالایی هم می‌باشد. این امر در مورد منابع نفت و گاز به مراتب از آب‌های زیر زمینی صادق‌تر است.

هنگامی که گزارشگر ویژه و همکارانش در حال تهیه پرسشنامه و ارسال آن برای دولت‌ها و دریافت پاسخ‌ها بودند، نظراتی از کمیته ششم مجمع عمومی در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ اعلام گردید و رهنمودی خطاب به کمیسیون صورت می‌گرفت که دوپهلوی به نظر می‌رسید. چه آنکه دولت‌ها در کلیات، از انتخاب موضوع و به‌خصوص از موضوع فرعی آب‌های زیر زمینی استقبال کردند در عین حال هشدارشان را به کمیسیون تأکید کردند که هیچ چیز نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی به گونه‌ای تفسیر شود که حاکمیتشان را محدود کند. پیام کمیته این بود که لازم است کاری انجام شود، اما به نظر نمی‌رسید که هیچ اراده‌ای حاکی از تمایل واقعی به پذیرش هنجارهای لازم‌الاجرای حقوقی وجود داشته باشد.<sup>۳۴</sup>

اینکه به چه دلیل دولت‌ها از کلیت موضوع حمایت جدی می‌کردند تا حدی روشن است، چون انتظار می‌رود که منابع طبیعی در مناطق مرزی، منبع اصلی بحث‌ها و جدال‌ها

33. See Official Records of the General Assembly, Sixty-second Session, Supplement no. 10 (A/62/10), para. 177.

34. Topical summaries in documents A/CN.4/577 and A/CN.4/588.

در این قرن باشد<sup>۳۵</sup>. اما همان موقع، نمایندگان در کمیته ششم تمایل بیشتری به پذیرش

۳۵. در گزارش هیأت عالی رتبه آمریکا در مورد چالش‌های انرژی آمریکا که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد، تصریح شده است که یکی از مناطقی که می‌توان برای جبران کسری انرژی آمریکا روی آن حساب کرد خلیج مکزیک است. توجه به این عبارت در گزارش مذکور بسیار قابل تأمل است «با توجه به مقررات فعلی، منابع نفتی موجود در خلیج مکزیک می‌تواند بخش قابل ملاحظه‌ای از کسری نفت را در آینده جبران نماید». نقل از: سیاست ملی انرژی، توسط گروه توسعه سیاست ملی انرژی ایالات متحد، ترجمه گروه مترجمان مؤسسه بهینه‌سازی مصرف انرژی، تهران، نشر ذره، ۱۳۸۲، ص ۳۷.

دو نمونه آموزنده در این زمینه وجود دارد که یکی مربوط به روابط مکزیک و آمریکا و دیگری راجع به ژاپن و چین است. مکزیک و آمریکا در سال ۱۹۷۶ در مورد مرز ۲۰۰ مایل دریایی خود در خلیج مکزیک یادداشت دیپلماتیک مبادله کردند. در سال ۱۹۷۸ دو طرف معاهده تنظیم کردند و بر اساس آن سنای مکزیک معاهده را تصویب کرد اما تصویب معاهده در سنای آمریکا با مانع مواجه شد. در سال ۱۹۸۰ کمیته روابط خارجی سنای آمریکا جلسه‌ای برای بررسی معاهده تشکیل داد و در آن جلسه یک زمین‌شناس معروف اعلام کرد معاهده مغایر با منافع آمریکاست. وی ادعا کرد که محدوده ۲۰۰ مایل مکزیک باید از سواحل فلات مکزیک اندازه‌گیری شود نه سواحل برخی جزایر موجود در خلیج مکزیک، در غیر اینصورت مناطق زیادی که بالقوه دارای مخازن نفت و دیگر معادن می‌باشد به مکزیک تعلق خواهد گرفت. پیشنهاد زمین‌شناس به قدر کافی آزمندانه بود که توجه برخی سناتورها را به خود جلب کند. به هر حال کمیته مذکور معاهده را تصویب و به صحن سنا ارسال کرد ولی در سنا نیز در سال ۱۹۸۱ مقرر شد هیأتی به ریاست مرجع تحقیق زمین‌شناسی دولت آمریکا مرکب از گروه‌های تخصصی احتمال‌سنجی نفت، تخمین منابع نفتی، منابع معدنی، زمین‌گرایی، حوادث و مخاطرات زمینی و تکنولوژی حفاری آب‌های عمیق تشکیل و پس از بررسی موضوع مراتب را به سنا گزارش دهند. گروه مذکور گزارش خود را ارائه کرد و وجود نفت و سایر منابع معدنی را تأیید کرد. در نتیجه سنای آمریکا تا مدت‌ها از تصویب معاهده خودداری کرد. Szekely, *op. cit.*, pp. 766-8.

– در همین زمینه به مقاله زیر مراجعه کنید:

Alberto Szekely and others “Transboundary hydrocarbon resources: The Puerto Vallarta draft treaty” 31 *National Resources Journal* (1991) Summer, pp. 611-2.

– آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد در ۹ ژوئن سال ۲۰۰۰ معاهده فوق‌الذکر در مجلسین آمریکا تصویب و از ۱۷ ژانویه ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا و در ۲۱ آوریل ۲۰۰۱ نزد دبیرکل ملل متحد ثبت شده است. مواد ۴ و ۵ این موافقت‌نامه درباره یافت شدن منبع نفت یا گاز در محدوده مرزی دو کشور که از خط منصف ۱/۴ مایل و جمعاً ۲/۸ مایل فاصله دارد به مدت ده سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه تکالیفی را برای همکاری در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی بین دو کشور معین کرده است.

– نمونه دوم مربوط به منابع نفتی موجود در منطقه اختلافی بین چین و ژاپن است که باعث شده دو کشور نتوانند در مورد تحدید حدود مناطق آبی خود به توافق برسند و گاه تا مرز به کارگیری نیروی نظامی علیه یکدیگر پیش بروند و برخی ادعاهای تاریخی دو طرف در سطح شهرهای دو کشور مطرح گردد.

Selig S. Harrison, *Seabed petroleum in northeast Asia: Conflict or Cooperation?* Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2006, pp. 3-5.

Peter D. Comeran, *op. cit.*, p. 559.

– همچنین مراجعه شود به:



قاعده‌ای لازم‌الاجرا که بتواند خدشه‌ای بر حاکمیت دولت‌ها وارد کند، نشان ندادند. بیشترین این مخالفت‌ها در انتقاد از مفهوم کلی منابع طبیعی مشترک به چالش کشیده شد. از این روی جایگزینی اصطلاح «مشترک» با «فرامرزی» احتمالاً چیز روشنی است که انجام شد حتی اگر هیچ تفاوت واقعی بین دلالت حقوقی این دو اصطلاح وجود نداشته باشد. چه اینکه هر دو اصطلاح با اشاره به پدیده‌های جغرافیایی تعریف شده‌اند و هر تفاوتی بین آن دو باید از حقوق و تکالیف منتسب به این مفاهیم ناشی شود. با این حال به نظر برخی، مفاهیم گفته شده از نظر جغرافیایی مشابهند و به نظر نمی‌رسد تفاوت بین آن دو در چارچوب موجود، چیزی مگر جنگ لفظی باشد. حتی اگر مفهوم منابع طبیعی مشترک گاهی کمیاب باشد و کمتر به کار رود.

کار کمیسیون در مورد آب‌های زیر زمینی مشترک یا فرامرزی با توجه به پیشینه کمیسیون در مورد حقوق آبراه‌های بین‌المللی برای استفاده‌های غیرکشتریانی و تجربه حاصل از آن، اگرچه با تأخیری دوساله از برنامه اعلام شده توسط مخبر ویژه، ولی، با سرعت زیادی پیگیری شد و شور دوم بررسی مواد پیشنهادی، با توجه به نظرات کتبی دولت‌ها، در اجلاس دوم کمیسیون در سال ۲۰۰۸ پایان گرفت و متن مصوب برای طرح در مجمع عمومی به آن مرجع ارسال شد.

کمیسیون بر اساس نظر برخی دولت‌ها، اظهار نظر کارگروه مأمور بررسی موضوع و پیشنهاد گزارشگر ویژه در مورد شکل سند، دو راه ارائه کرد.<sup>۳۶</sup> یکی اینکه سند غیرلازم‌الاجرا در قالب قطعنامه مجمع عمومی صادر شود و مواد مصوب کمیسیون ضمیمه آن شود و دولت‌ها تشویق شوند در روابط خود راهنمایی‌های کمیسیون را دنبال کنند. شکل دیگر اینکه در مرحله بعد متن در قالب یک کنوانسیون تنظیم، تصویب و دولت‌ها برای عضویت در آن دعوت شوند.<sup>۳۷</sup>

متن مصوب کمیسیون تحت عنوان منابع طبیعی مشترک «حقوق راجع به آب‌های

36. A/CN.4/L.717 (17 July 2007), para. 5.

37. *Yearbook of International Law Commission*, 2008, paras. 37 and 49.

49. At its 2991<sup>st</sup> meeting, on 5 August 2008, the Commission decided, in accordance with article 23 of its statute, to recommend to the General Assembly:

- (a) To take note of the draft articles on the law of transboundary aquifers in a resolution, and to annex these articles to the resolution;
- (b) To recommend to States concerned to make appropriate bilateral or regional arrangements for the proper management of their transboundary aquifers on the basis of the principles enunciated in these articles;
- (c) To also consider, at a later stage, and in view of the importance of the topic, the elaboration of a convention on the basis of the draft articles.

زیرزمینی فرامرزی<sup>۳۸</sup>» دارای یک مقدمه و چهار بخش است. در مقدمه آن به نکات زیر اشاره شده است:

اهمیت حمایت از منابع زیر زمینی در همه مناطق جهان برای حیات نوع بشر - بند ۱ ماده ۱۳ منشور ملل متحد - قطعنامه ۱۸۰۳ در مورد حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی - اصل ۲۱ اعلامیه ریو در مورد حفاظت از محیط زیست مصوب ۱۹۹۲ - در نظر گرفتن تقاضای رو به تزاید برای آب شیرین و ضرورت حمایت از منابع زیرزمینی - تأکید بر ضرورت کسب اطمینان از توسعه، بهره‌برداری، حفاظت، مدیریت و حمایت از منابع آب زیرزمینی در چارچوب تشویق توسعه حداکثری و پایدار از منابع آب برای نسل‌های فعلی و آتی و بالاخره تأیید اهمیت همکاری بین‌المللی و حسن همجواری در این زمینه و تصدیق لزوم تشویق همکاری بین‌المللی.

در بخش اول طرح به عنوان مقدمه تحت ماده ۱ محدوده اجرای سند به ترتیب زیر بیان شده است:

بهره‌برداری از آب‌های زیر زمینی یا سیستم آب‌های زیر زمینی؛  
سایر فعالیت‌هایی که آثاری بر منابع گفته شده دارند یا احتمالاً خواهند داشت؛ و  
تدابیری برای حمایت، حفاظت و مدیریت آن منابع.

در ماده ۲ اصطلاحات به کار رفته در سند تعریف شده است. از جمله سفره آب زیرزمینی فرامرزی و سیستم سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی، حوزه آبخیز، دولت دارای سفره آب زیر زمینی و ... به تفصیل آمده است.

در بخش دوم طرح، تحت عنوان اصول کلی در ماده ۳ در مورد حاکمیت دولت‌های دارای سفره آب زیرزمینی فرامرزی آمده است: «هر دولت دارای سفره آب زیرزمینی بر بخشی از یک سفره آب زیرزمینی فرامرزی یا سیستم سفره‌های آب زیرزمینی فرامرزی واقع در قلمرو خود حاکمیت دارد. دولت موصوف حاکمیت خود را مطابق حقوق بین‌الملل و این مواد اعمال خواهد کرد.»

درج حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی داخل در قلمروشان، مورد تأکید بیشتر اعضا بود. به‌خصوص کشورهای دارای سفره‌های آب زیرزمینی بر این نظر بودند که منابع آب، به کشورهای تعلق دارد که در آنجا قرار گرفته‌اند و نتیجتاً تحت حاکمیت انحصاری آن

دولت‌ها خواهند بود. این دیدگاه عیناً در مورد منابع نفت و گاز هم وجود دارد.<sup>۳۹</sup> البته در مورد درج اصل حاکمیت دو نگاه به موضوع وجود داشت. دیدگاه اول آن را مبنای محدودیت شرایط برای اعمال حق حاکمیت می‌داند. مثلاً اعمال حاکمیت با توجه به قوانین دیگر نباید موجب آسیب زیست محیطی و مسائل مشابه شود و نتیجتاً دولت عامل، باید اطمینان دهد که فعالیت‌های واقع در قلمرو تحت صلاحیت یا تحت کنترل او موجب ورود خسارت به دولت دیگر نخواهد شد.<sup>۴۰</sup> در حالی که دیدگاه دوم معتقد است هیچ نکته‌ای در این مواد نباید بر حق حاکمیت دولت‌ها در بهره‌برداری، توسعه و اداره منابع طبیعی آن دولت تأثیر گذارد. گزارش کمیسیون ادعا دارد که نگاه اول به موضوع در اولویت بوده و تلاش شده است تا به شکل مناسبی، با به کارگیری دو کلمه در کنار هم، چنین تعادلی برقرار و حفظ شود. در حقیقت هر دولت صاحب سفره آب زیرزمینی بر این منبع تا آنجا که در قلمرو آن واقع شده است، حاکمیت دارد. شاید بتوان این ماده را جان و جوهر طرح به حساب آورد.

ارجاع به حقوق بین‌الملل هم اضافه شد تا بیان کند که اگرچه این مواد در برابر پیشینه اعمال مستمر حقوق بین‌الملل عرفی مقرر شده‌اند، مع‌الوصف، قواعد دیگر حقوق بین‌الملل عام نیز وجود دارد که قابل اعمالند.

ماده ۵ را باید کلیدی‌ترین ماده طرح دانست که در آن به بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع اشاره می‌کند.<sup>۴۱</sup> جان مایه بحث در منابع مشترک این است که کشورهای ذینفع در منبع بتوانند سهمی از آن داشته باشند. این ماده سعی کرده است با عباراتی نرم، بهره‌برداری یکجانبه از این قبیل منابع را منع کند. البته عبارات به کار رفته صراحتاً حاکی از آن نیست

39. *Yearbook of International Law Commission*, 2008, p. 39.

۴۰. برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه شود به رساله دکتری نگارنده تحت عنوان «رژیم حقوقی بین‌المللی حاکم بر منابع نفت و گاز مشترک» دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، صص ۱۶۱-۱۴۸.

۴۱. ماده ۴ مقرر می‌دارد دولت‌های دارای منابع آب زیرزمینی طبق اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه به شرح زیر از این منابع بهره‌مند خواهند شد. الف- دولت‌های موصوف از منبع آب زیرزمینی به شکلی بهره‌برداری خواهند کرد که با منافع معقول و منصفانه فعلی ناشی از آن منابع برای دولت‌های ذیربط منطبق باشد. ب- دولت‌های مذکور حداکثرسازی منافع درازمدت ناشی از استفاده از محتوای منبع را در نظر خواهند داشت. ج- این دولت‌ها منفرداً و مشترکاً طرح کلی بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی را که دربردارنده نیازهای فعلی و آتی و منابع جایگزین آن باشد، ارائه خواهند کرد. د- این دولت‌ها از یک منبع آب فرامرزی تجدیدشونده به گونه‌ای بهره‌برداری نخواهند کرد که مانع کارکرد مستمر آن منبع شود.

که چنانچه دولتی به منابع نیاز داشته باشد و بدون وارد کردن خسارات مادی به دولت همسایه از منابع گفته شده بهره‌برداری کند، دولت همسایه بتواند از اعمال حاکمیت دولت عامل جلوگیری کند. در عین حال همواره اقدام یک دولت شریک در منبع باید با اطلاع و جلب همکاری دولت شریک باشد.

با توجه به محوریت مسأله بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع گفته شده، معیارهای دستیابی به این دو اصل، موضوع مهمی است که در ماده ۵ به طور مفصل به آنها اشاره شده است.<sup>۴۲</sup> شاید برخی معتقد باشند فهرستی چنین متنوع و متکثر برای تشخیص منصفانه و معقولانه بودن بهره‌برداری از منبع مشترک، هیچ کمکی به حل مسائل مربوط به بهره‌برداری از منابع مشترک سیال و مهاجر نمی‌کنند و هر دولتی می‌تواند با توجیهات و عبارت پردازی‌های متداول، رفتار خود را با منبع مشترک معقول و منصفانه جلوه دهد.

به نظر ما این مسأله واقعیت دارد ولی علی‌رغم آن تاکنون نه تنها موارد متعددی از بهره‌برداری یکجانبه از چنین منابعی گزارش نشده، بلکه موارد همکاری و بهره‌برداری اشتراکی، رواج بیشتری داشته است. مع الوصف، فعلاً نمی‌توان آمیدی به هنجاری‌های قوی‌تر برای تحدید حاکمیت دولتها داشت در عین اینکه وجود این معیارها به دولتهای دیگر هم به همان اندازه دولت بهره‌بردار کمک می‌کند تا دولت موصوف را به عنوان متخلف از مقررات بین‌المللی تحت فشار قرار دهد. لذا نگرانی از اینکه عملکرد دولت عامل، آن را در معرض نتایج مسؤولیت بین‌المللی قرار دهد زمینه را برای ترغیب کشورها به ورود به ترتیبات منطقه‌ای و موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه در مورد نحوه بهره‌برداری

۴۲. ماده ۵- عوامل مرتبط با بهره‌برداری معقول و منصفانه عبارتند از:

۱- بهره‌بردار از منابع آب زیرزمینی به صورت معقول و منصفانه مستلزم در نظر گرفتن همه عوامل زیر است: الف- وابستگی مردم به منبع آب زیرزمینی در هر یک از دولتهای ذیربط. ب- نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سایر نیازهای فعلی و آتی دولتهای مرتبط با منبع. ج- خصوصیات طبیعی منبع. د- کمک به شکل‌گیری و بازسازی منبع. ه- بهره‌برداری فعلی، آتی و بالقوه از منبع. و- تأثیر بهره‌برداری از منبع توسط یک دولت بر دولت دیگر. ز- جایگزین‌هایی در دسترسی، برای بهره‌برداری از منبع طراحی شده و موجود. ح- توسعه، حمایت و حفاظت از منبع و هزینه‌های تدابیری که برای آن هدف باید اتخاذ شود. ط- نقش مخزن و سیستم مخازن در اکوسیستم محیط زیست.

۲- تأثیر هر عامل با توجه به اهمیت آن در منبع یا سیستم منابع فرامرزی در مقیاس با دیگر عوامل ذیربط تعیین خواهد شد. البته در تعیین اینکه چه چیزی بهره‌برداری منصفانه و معقول است، همه عوامل ذیربط با هم و با جمع‌بندی حاصل از اتکا به همه عوامل در نظر گرفته خواهد شد. مع الوصف در تأثیرگذاری انواع مختلف بهره‌برداری از یک منبع یا سیستم منابع آب زیرزمینی، توجه خاص به نیازهای اساسی بشری معطوف خواهد بود.

و حفاظت و مدیریت این منابع فراهم می‌کند.

پس از تعیین ملاک‌های استفاده منصفانه و معقول از منبع که با رویکردی ایجابی صورت گرفته است، ماده ۶ طرح، با سیاقی سلبی، دولت‌های ذیربط را در عدم ایراد آسیب جدی به منبع متعهد می‌سازد. در واقع، با این ماده، اگر دولت ذینفعی، اقدام به تخریب و ایراد آسیب عمده به منبع نماید، اعم از اینکه در حین بهره‌برداری از منبع باشد یا نباشد و صرف‌نظر از اینکه در این رویداد تقصیر کرده یا نکرده باشد و بالاتر از اینها اعم از اینکه به دولت همسایه خسارت وارد شده یا نشده باشد، دولت آسیب‌زننده با توجه به طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت.<sup>۴۳</sup>

البته باز هم این سؤال بی‌پاسخ خواهد ماند که اگر یک دولت شریک در منبع به طور یکجانبه و از محدوده تحت قلمرو حاکمیت یا صلاحیت خود، اقدام به بهره‌برداری از منبع مشترک نماید و محتوای منبع را تخلیه کند یا تقلیل دهد، ولی از این اقدامات لطمه و آسیبی به منبع وارد نشود، دولت همسایه چه اقدامی می‌تواند انجام دهد. در چنین حالتی تردیدی وجود ندارد که بخشی از محتوای منبع که در زیر قلمرو دولت همسایه قرار دارد بدون موافقت و گاه بدون اطلاع دولت اخیر استخراج می‌شود و ثروت متعلق به یک ملت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

شیب منطقی مواد در ماده ۷ به تعهد دولت‌ها به همکاری در بهره‌برداری از منابع مشترک توجه دارد. این همکاری با تصریح به احترام به برابری حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌ها، البته حاوی نکته جدیدی نیست و در متون و اسناد بین‌المللی زیادی از آن یاد شده و به آن تصریح گردیده است.<sup>۴۴</sup> مشکل عمده لزوم همکاری، مشخص کردن

۴۳. ماده ۶- تعهد به وارد نکردن آسیب عمده

۱- دولت‌های ذینفع، در بهره‌برداری از یک منبع یا سیستم منابع فرامرزی در قلمروشان، همه تدابیر لازم را برای پرهیز از ایجاد خسارات عمده به دولت دیگر اتخاذ خواهند کرد. ۲- دولت‌های ذینفع، در انجام فعالیت‌های دیگر غیر از بهره‌برداری از مخزن فرامرزی که بر مخزن گفته شده تأثیر نامطلوب دارد یا احتمالاً خواهد داشت، همه تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد تا مانع ورود خسارت عمده از آن طریق به منبع فرامرزی شود. ۳- در جایی که علی‌رغم تدابیر اتخاذ شده، خسارات عمده به دولت ذینفع دیگر در منبع وارد شود، دولتی که فعالیت او موجب ورود خسارت شده است در مشورت با دولت متأثر، همه تدابیر لازم را برای از میان بردن چنین خسارتی با در نظر گرفتن مقررات مواد ۴ و ۵ اتخاذ خواهد کرد.

44. ASEAN Agreement on the Conservation of Nature and Natural Resources (1985), Convention on the Protection of Transboundary Watercourses and International Lakes (the Helsinki Convention, 1992), Protocol on Water and Health to the 1992 Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes (1999), Convention on Cooperation for the Sustainable Use of the River Danube (1994), Convention on the Protection of the Rhine (1999), African Convention on the

آستانه این الزام است.<sup>۴۵</sup> اولین قدم برای همکاری، ایجاد کمیسیون‌های مشترک و تبادل منظم اطلاعات بین طرفین و بررسی آنها در کمیسیون موصوف است. این مسأله در قالب تبادل اطلاعات و داده‌ها در ماده ۸ پیش‌بینی شده است.

بخش سوم طرح تحت عنوان حمایت، حفاظت و مدیریت منابع مشترک، به ضرورت توجه دولت‌های ذینفع به جهت‌دهی موضوع فعالیت‌ها و همکاری‌ها به عناوین گفته شده دارد. پایش (مانیتور) فعالیت‌ها برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی، بخشی از وظایف دولت‌ها بیان شده است که با همکاری یکدیگر باید انجام گیرد. این بخش از طرح همچون رویکرد جدید مراجع بین‌المللی در موارد مشابه، به دنبال پیشگیری<sup>۴۶</sup> است. وظیفه پیشگیری امروزه مقدمه‌ای برای توجه مسئولیت بین‌المللی به دولتی است که از انجام این تعهد امتناع کرده است.

در بخش چهارم طرح تحت عنوان «مقررات مختلف» به ضرورت ارائه کمک‌های فنی از سوی دولت‌های توسعه‌یافته و همکاری آنها با دیگر دولت‌ها و حمایت از منابع در وضعیت‌های اضطراری و در زمان مخاصمات مسلحانه و محدودیت‌های تبادل اطلاعات در مواقعی که آن اطلاعات به دفاع ملی و امنیت مربوط می‌شود، اشاره شده است.

حاصل بررسی عملکرد کمیسیون در رسیدگی به موضوع را می‌توان اینگونه بیان نمود که دست‌اندرکاران، خود، اذعان می‌کنند که فعلاً نمی‌توان در مورد یک متن مؤثر و قوی که لازم‌الاجرا باشد، امید زیادی داشت. لذا، ماده ۱۹ طرح را که در شور دوم تصویب گردید، شایسته یک متن کنوانسیون ندانسته و از جمله سخنی در مورد روش‌های فیصله اختلافات در آن به میان نیاورده‌اند و در مواد پایانی آن، شروط تصویب، خروج و لازم‌الاجرا شدن و آنچه شکل یک سند کنوانسیون را می‌سازد به مصوبه پیشنهادی خود به مجمع ندادند. این در حالی است که گزارشگر ویژه در اجلاس سال ۲۰۰۷ ضمن اعلام

Conservation of Nature and Natural Resources (2003), Framework Convention on the Protection and Sustainable Development of the Carpathians (2003), Convention on the Sustainable Development of Lake Tanganyika (2003), and Protocol for Sustainable Development of Lake Victoria Basin (2003).

۴۵. ماده ۷- تعهد کلی به همکاری:

۱- دولت‌های ذینفع در منبع بر اساس برابری حاکمیت، تمامت سرزمینی، توسعه پایدار، منافع دوجانبه و حسن نیت به منظور دستیابی به بهره‌برداری منصفانه و معقول و حمایت مناسب از منبع متعلق به خود همکاری خواهند کرد. ۲- برای دستیابی به هدف مندرج در بند ۱ دولت‌های ذیربط سازوکارهای مشترک برای همکاری ایجاد خواهند کرد.

گرایش دولت‌ها به انصراف از یک متن قانونی لازم‌الاجرا به یک سند غیرالزام‌آور، تأکید کرد که هدف نهایی کمیسیون باید رسیدن به یک کنوانسیون قانوناً لازم‌الاجرا باشد چرا که قواعد حاکم بر آب‌های زیرزمینی فرامرزی بخشی باقی مانده از کار کنوانسیون حقوق آبراه‌های بین‌المللی برای استفاده‌های غیرکشتریانی مصوب ۱۹۹۷ است و آب‌های زیر زمینی هم مثل آب‌های سطح‌الارضی برای بقای نوع بشر مهمند و شاید مهم‌تر باشند.<sup>۴۷</sup>

در حال حاضر کمیسیون با توجه به تجارب گرانهای پیشین خود راجع به ادامه کار در مورد منابع مشترک نفت و گاز با تردیدهایی جدی مواجه شده است. در همین زمینه در جلسه ۳۰۱۳ مورخ دوم ژوئن ۲۰۰۹ کمیسیون مقرر شد کارگروهی به ریاست آقای انریک کاندوتو تشکیل شود. گزارش کارگروه در جلسه ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۹ و بر اساس اقدامات قبلی و گزارش مخبر ویژه که به کار خود با کمیسیون پایان داده است، ارائه گردید و کمیسیون بر توصیه‌های کارگروه به شرح زیر تأکید کرد.<sup>۴۸</sup>

الف) هر تصمیمی در مورد ادامه کار روی طرح نفت و گاز تا اجلاس شصت و دوم متوقف خواهد ماند.

ب) در خلال این مدت پرسش‌نامه مربوط به نفت و گاز یکبار دیگر برای دولت‌ها ارسال خواهد شد و دولت‌ها به ارائه نظرات خود و اطلاعات و رویه‌های مربوط به موضوع نفت و گاز تشویق می‌گردند، به‌ویژه به این سؤال پاسخ دهند که آیا لازم است کمیسیون به موضوع گفته شده بپردازد یا خیر؟

مهم‌ترین درسی که می‌توان از کار کمیسیون گرفت این است که نباید برای دستیابی به سندی لازم‌الاجرا در مورد روابط دولت‌های ذینفع در یک مخزن نفت و گاز مشترک فرامرزی، چندان امیدوار بود بلکه لازم است بیشتر از پیش به ترتیبات منطقه‌ای و موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه (آحادسازی منبع مشترک و توزیع هزینه‌ها و درآمدها بین دولت‌های ذینفع بر اساس تراضی یا میزان حاکمیت بر منبع مشترک و یا موافقت‌نامه‌های بهره‌برداری مشترک از منبع) که در مورد منابع نفت و گاز مشترک میان کشورها متداول شده است، توجه کرد و با استفاده از تجارب دو کار قبلی، برای تسریع در تکمیل طرح منابع طبیعی مشترک (مخازن نفت و گاز) بهره جست. تردیدی نیست که در مورد نفت و گاز مقاومت کشورهای ذینفع در برابر تحدید حاکمیت خود بر منابع گفته شده، بیشتر

47. Fifth report on shared natural resources: transboundary aquifers by Chusei Yamada, Special Reporter. Geneva, 5 May-6 June and 7 July-August (2008) A/CN.4/59, para. 8.

48. Yearbook of International Law Commission, 2009, para. 191-2.

خواهد بود و نتیجتاً کمیسیون در قدم اول توفیقی بیش از این نخواهد داشت که سندی مشتمل بر یک سلسله راهنمایی برای همکاری در بهره‌برداری و حفاظت و مدیریت آن منابع، میان دولت‌های ذینفع ارائه دهد.

### نتیجه

منابع طبیعی به عنوان بخشی از ثروت ملت‌ها، همواره تأمین‌کننده نیازها و موجب ارتقای سطح زندگی جوامع بوده و می‌باشد. دولت‌ها در اعمال حاکمیت بر این منابع و بهره‌برداری از آنها هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهند. در مواقعی که این منابع به صورت اشتراکی میان دولت‌هایی یافت می‌شوند، هر دولت به فکر اختصاص سهم هر چه بیشتر از این منابع به خود می‌باشد. این رویکرد به منابع طبیعی، حداقل دو نتیجه را با خود به همراه دارد. یکی نزاع برای بهره‌برداری بیشتر و دیگری لطمه به محیط زیست. بنابراین تلاش برای جلوگیری از نزاع و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی و حفظ محیط زیست اهدافی هستند که همه منطقاً می‌پذیرند که باید قواعدی در حقوق بین‌الملل به منظور دستیابی به آنها، تدارک شود.

کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان نهاد رسمی توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل، در سی و هفت سال اخیر، تلاش‌هایی را برای تدوین قواعد بهره‌برداری، توسعه، حمایت، حفاظت و مدیریت برخی از منابع طبیعی مشترک انجام داده است. کمیسیون از جمله کنوانسیون تحت عنوان «حقوق استفاده از آبراه‌های بین‌المللی برای استفاده‌های غیرکشتریانی» تهیه کرد که در سال ۱۹۹۷ تصویب شد. همچنین طرحی را در ۱۹ ماده تحت عنوان حقوق منابع طبیعی مشترک (آب‌های زیرزمینی فرامرزی) در سال ۲۰۰۸ به تصویب رساند. در سال‌های آتی نیز قصد دارد با تجارب به دست آمده بر روی دیگر منابع طبیعی از جمله مخازن نفت و گاز مشترک کار کند.

این تلاش‌ها گرچه نشان دهنده اهتمام کمیسیون به موضوعات مهم و مبتلابه جامعه بین‌المللی می‌باشد ولی به دلیل ارتباط تنگاتنگ موضوعات تحت بررسی با تحدید حاکمیت دولت‌ها، فعلاً زمینه پذیرش و تولید سندی حقوقی و لازم‌الاجرا در مورد آنها فراهم نیست و به طور خلاصه می‌توان گفت که کمیسیون در راهی که قدم گذاشته، توفیقی نداشته است. در نتیجه، نادرست نیست اگر بگوییم که حقوق بین‌الملل، کماکان باید امیدوار و متکی به توسعه روابط مسالمت‌آمیز از طریق موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه و



ترتیبات منطقه‌ای در بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی مشترک از جمله منابع نفت و گاز مشترک باشد.

### فهرست منابع

1. A more secure world: our shared responsibility, Report of the High-level Panel on Threats, Challenges and Change, 2 December 2004
2. A/CN.4/L.717 (17 July 2007)
3. African Convention on the Conservation of Nature and Natural Resources (2003)
4. ASEAN Agreement on the Conservation of Nature and Natural Resources (1985)
5. Assembly resolution 55/152 of 12 December 2000
6. Benvenisti, Eyl, Sharing trans-boundary resources: international law and optimal resource use. (2002) Cambridge University Press, Cambridge.
7. Bouvet, Jean-Pierre, "L'unité de gisement hydrocarbures et autres matières minérales" L'Harmattan (2004), Paris
8. Convention on Cooperation for the Sustainable Use of the River Danube (1994)
9. Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes (1999)
10. Convention on the Protection of the Rhine (1999)
11. Convention on the Protection of Transboundary Watercourses and International Lakes (the Helsinki Convention, 1992)
12. Convention on the Sustainable Development of Lake Tanganyika (2003)
13. Crook, J.R. and S.C. McCaffrey, "The United Nations Starts Work on a Watercourse Convention", 91 AJIL, 1997
14. Economic Declaration adopted by the Fourth Conference of Heads of State or Government of Non-Aligned Countries, Algiers, 5-6 September 1973, in UN Doc. A/6300 and Corr. 1
15. Fifth report on shared natural resources: transboundary aquifers by Chusei Yamada, Special Reporter. Geneva, 5 May-6 June and 7 July-August (2008) A/CN.4/59
16. Framework Convention on the Protection and Sustainable Development of the Carpathians (2003)
17. Gabriel, Eckstein E., "Commentary on the U.N. International Law Commission's Draft Articles on the Law of Transboundary Aquifers", Colo. J. Int'l Envtl. L. & Pol'y [vol. 18:3.]
18. General Assembly Resolution 3129 (XXVIII) of 13 December 1973 mandated the Governing Council of UNEP to formulate international standards for the conservation and harmonious exploitation of shared resources, including a system of prior information and consultation
19. Harrison, Selig S., Seabed petroleum in northeast Asia: Conflict or Cooperation? Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2006
20. <http://untreaty.un.org>
21. ICJ Reports 1997
22. Islamic Republic of Iran, A/C.6/62/SR.25
23. Juha, Rainne, "The work of the international law commission on shared natural resources: The pursuit of competence and relevance" 75 Nordic Journal on International Law (2006)
24. Krasner, S.D., International regime, (Cornell University Press, Ithaca, NY, 1983)
25. Official Records of the General Assembly, Fifty-seventh Session, Supplement no. 10 (A/57/10)
26. Official Records of the General Assembly, Sixty-second Session, Supplement no. 10 (A/62/10)
27. Protocol for Sustainable Development of Lake Victoria Basin (2003)
28. Protocol on Water and Health to the 1992
29. Rainne, Julia, "The work of the international law commission on shared natural resources: The pursuit of competence and relevance" 75, Nordic Journal on International Law (2006)

Netherland

30. Schrijver, Nicollas, *Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties in an Increasingly Interdependent World*, Cambridge University Press, 1997
31. Schwebel, S.M., "Second report on the law of the non-navigational watercourses", *Yearbook of the International Law Commission vol. II* (1980)
32. Shared natural resources Comments and observations received from Governments and relevant intergovernmental organizations Fifty-seventh session A/CN.4/555
33. Szekely, Alberto and others "Transboundary hydrocarbon resources: The Puerto Vallarta draft treaty" 31 *National Resources Journal* (1991) Summer
34. Szekely, Alberto, "US. Mexico trans-boundary resources Issue. The international law of submarine trans-boundary hydrocarbon resources: Behavior legal limits to and experience for Gulf of Mexico", *Natural Resources Journal*, (1986) fall
35. Third report on shared natural resources "trans-boundary groundwater". Doc. A/CN.4/551 (2005) [www.un.org/law/ilc/sessions/57/docs.htm](http://www.un.org/law/ilc/sessions/57/docs.htm)
36. Topical summaries in documents A/CN.4/577 and A/CN.4/588
37. UN. Doc. A/59/565
38. *Yearbook of International Law Commission*, 2008
39. *Yearbook of International Law Commission*, 2009

۴۰. رضایی، محمدرضا، زمین‌شناسی نفت، چاپ دوم، انتشارات علوی، ۱۳۸۴

۴۱. سیاست ملی انرژی، توسط گروه توسعه سیاست ملی انرژی ایالات متحد، ترجمه گروه مترجمان مؤسسه بهینه‌سازی مصرف انرژی، تهران، نشر ذره، ۱۳۸۲

۴۲. قطعنامه ۱۸۰۳ مورخ ۱۹۶۲ مجمع عمومی در مورد «حاکمیت دائمی ملت‌ها بر منابع طبیعی»

۴۳. قطعنامه ۳۲۸۱ مورخ ۱۹۷۴ تحت عنوان «اصول راجع به حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها»

۴۴. کاشانی، جواد، «رژیم حقوقی بین‌المللی حاکم بر منابع نفت و گاز مشترک»، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷

۴۵. کلار، مایکل، «جنگ منابع چشم‌انداز جغرافیای جدید منازعات جهانی»، مجله سیاست خارجی، سال ۱۳۸۱

۴۶. وکیل، امیر ساعد، جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما (گزارش هیأت عالی‌رتبه دبیرکل در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییرها - دسامبر ۲۰۰۴)، مجله پژوهش‌های حقوقی، صص ۲۹۰-۲۶۱ مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۶، سال ۱۳۸۳

# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

**VOL. VIII, No. 2**

**2009-2**

## Articles

- Access to Legal Assistance in Police Investigations
- The Right of Buyer for Deficiencies of Goods
- Civil Responsibility Concerning Natural Incidents
- Revocation of Labor Contract according to the Law of Iran
- The Extra-territoriality of the International Covenant on Civil and Political Rights
- Secured Information System in Electronic Commerce Law
- Contradictory Approaches to the Right of Self Determination
- Some Considerations on the Constitutional Council of the French Republic
- "Fair and Just" Treatment of the Host State concerning the Foreign Investment Contracts
- Compensation for the Breach of Foreign Investment Contracts
- The UN International Law Commission and the Common Natural Resources

## Special Issue: Oil and Gas Law in National and International Systems

- The Companionship of the Energy Sector and WTO Regulations: Facts, Challenges and Prospects
- Stabilization Clause in the Sample Contracts of Detection and Derivation of Petroleum
- Oil Companies in Iran and the Problem of Diplomatic Protection
- Private Ownership in the Case of Oil and Gas Resources under the USA Law
- Investment Dispute Settlement in Energy Charter Treaty (ECT) and Legal effects of Iran's Accession thereto

## Critique and Presentation

- A Critical Analysis of 'The Procedure Act of the Administrative Court of Justice'
- Some Critics on the Parliament's Draft Concerning Change of the UN's Headquarter
- Copenhagen Conference (2009) and Combating the Climate Change

ISSN: 1682-9220



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**

Research & Study